

# مورخ ۳۰ آپریل ۱۹۱۲ در منزل مبارک شیکاگو: درباره برخی تعالیم دیانت بهایی

حضرت عبدالبهاء

نسخه اصل فارسی



ORIGINAL



AUDIO

# مورخ ۳۰ آپریل ۱۹۱۲ در منزل مبارک شیکاگو:<sup>۱</sup> درباره برخی تعالیم دیانت بهایی<sup>۲</sup>

(خطابات جلد دوم، ص. ۵۴-۵۷)

هُوَاللّٰهُ

ما بهاء الله را اول مرتب عالم انسانی می دانیم. در زمانی که شرق را ظلمت اختلاف احاطه نموده بود و ملل مشرق زمین در نهایت عداوت و بغضا بودند و مذاهب با یکدیگر در نهایت اجتناب و یکدیگر را نجس می دانستند و همیشه مشغول جنگ و جدال، در چنان وقتی حضرت بهاء الله چون شمس از افق شرق طالع شد و جمیع را بحبّت و معاشرت دعوت فرمود و به نصیحت و تربیت آنها پرداخت. از هر ملت و مذهبی هدایت کرد، ملل و مذاهب مختلفه را التیام داد و بنهایت اتحاد و اتفاق رسانید به درجه ای که چون در مجامع آنها داخل می شوی نمی دانی کدام اسرائیلی است، کدام مسلمان است کدام فارسی و کدام مسیحی.

پادشاه مستبد ایران با جمیع علما بر خلاف قیام نمودند و به نهایت اذیت پرداختند، حضرت بهاء الله را حبس کردند تابعین ایشان را کشتند. به درجه ای اذیت می نمودند که هر نفسی اطاعت حضرت بهاء الله می کرد جان و مالش به هدر می رفت، ولی آخر مقاومت او را نتوانستند و تعالیمش انتشار یافت.

Chicago<sup>1</sup>

<sup>2</sup> خطابه در منزل مبارک شیکاگو ۳۰ آپریل ۱۹۱۲ (۱۳ جمادی الاول ۱۳۳۰)

شرح در بدایع الآثار ج ۱ ص ۶۲

لذا از ایران حضرت بهاء الله را به بغداد و از بغداد به رومیلی و از آنجا به سجن عگا فرستادند و در سجن عگا صعود فرمودند. من هم در آن حبس بودم تا اعلان حریت از طرف جمعیت اتحاد و ترقی شد، جمیع محبوسین را آزاد کردند و من هم بیرون آمدم.

اما از تعالیم حضرت بهاء الله، (اول) تحرّی حقیقت است. اساس جمیع انبیا حقیقت است و حقیقت یکی است. حضرت ابراهیم منادی حقیقت بود حضرت موسی خادم حقیقت بود، حضرت مسیح مؤسس حقیقت بود، حضرت محمد مروج حقیقت بود، حضرت اعلی مبشر حقیقت بود و حضرت بهاء الله نور حقیقت. حقیقت ادیان الهی یکیست. در حقیقت اختلاف نیست اما تقالید چون مختلف است، سبب اختلاف و جدال گشته. اگر تحرّی حقیقت و ترک تقالید شود، جمیع ملل متحد گردند، زیرا اختلافی در حقیقت ادیان نیست، بلکه در تقالید است.

(ثانی) تعلیم حضرت بهاء الله وحدت عالم انسانیست که فرمود جمیع بندگان خداوندند. کلّ را او خلق کرده رزق می دهد، می پروراند. جمیع در بحر رحمت او مستغرق اند و خدا به همه مهربان، ما چرا به یکدیگر نا مهربان باشیم؟ ما باید اطاعت سیاست الهی نمائیم، آیا ما از سیاست الهی سیاستی بهتر می دانیم؟

(ثالث) فرمود دین با علم توأم است، زیرا دین و علم هر دو حقیقت است. اگر دین مخالف حقیقت باشد وهم است و هر مسئله دینی که مخالف علم صحیح و عقل کامل باشد، شایان اعتماد نه. پس تقالید و رسوماتی که منافی علم و ترقی است باید زائل نمود.

(رابع) دین باید سبب اتحاد باشد، قلوب را به یکدیگر ارتباط دهد. حضرت مسیح و انبیای الهی به جهت الفت و اتحاد آمدند. پس اگر دین سبب اختلاف شود، نبودن آن مرجح است.

(خامس) تعصب دینی، تعصب جنسی و تعصب وطنی و تعصب سیاسی سبب جدال است و هادم بنیان انسانی باید جمیع این تعصبات را ترک نمود.

(سادس) صلح اکبر است. عالم بشر باید در صلح اکبر باشد تا نور این صلح بر دول و ملل عالم نتابد، عالم انسانی آسایش نیابد.

(سابع) مساوات حقوق رجال و نساء است. باید نساء تربیت و تعلیم یابند تا ترقی کنند و به درجه رجال رسند

از این قبیل تعالیم بسیار.

